



# کتیبه داریوش

## معروف به

# کتیبه بیستون

نگاهداری کتیبه؛ دعا برای حافظان آن و نفرین بر آسیب زندگان. در دوره‌های بعد که زبان‌ها و خطوط باستانی به دست فراموشی سپرده شد، کتیبه بیستون نیز ناخوانا شده؛ نه تنها کسی نمی‌توانست متن آن را بخواند، بلکه اصلاً معلوم نبود که از آن چه کسی و مربوط به چه دوره‌ای است. در همین زمان بود که کتیبه داریوش و سایر حجاری‌های موجود در کوه بیستون که از دوران اشکانی و ساسانی بر جای مانده بودند، به فرهاد و عشق آتشین او به شیرین سریان‌ی نسبت داده شدند و طنین بلندی در نظم و نثر پارسی یافتند؛ بیستون را عشق کند و شهرت‌ش فرهاد برد!

نخستین کسی که موفق به خواندن کتیبه بیستون شد، هنری رالینسون انگلیسی (Rawlinson) بود او که در دهه ۱۸۳۰ میلادی و اوایل دهه ۱۸۴۰ به عنوان افسر ارتش هند انگلستان، مأمور خدمت در غرب ایران بود، موفق به رمزگشایی از خطوط کتیبه شد و نخستین ترجمه آن را به دست داد. رالینسون بعدها در اواخر دهه ۱۸۵۰ برای مدت کوتاهی، به سمت وزیرمختار انگلستان در ایران منصوب شد. پس از رالینسون، افراد دیگری راه او را پی گرفتند و ترجمه‌های کامل‌تر و دقیق‌تری از کتیبه بیستون را بدست دادند؛ با این حال، بخش‌هایی از این کتیبه باستانی به علت فرسایش در برابر باد و باران از میان رفته و ناخواناست؛ و نیز بدین خاطر که در دوره‌ای از بی‌خبری ایرانیان، نقوش و خطوط آن به عنوان نشانه تیراندازی مورد استفاده قرار

داریوش دستور داد که داستان این پیروزی بزرگ را که به منزله نجات یافتن سلسله هخامنشی از سقوط حتمی بود، بر دیواره کوه بیستون نقر کنند. در آن زمان، کوه بیستون نه فقط از اهمیت مذهبی برخوردار بود بلکه از آن مهم‌تر، بر کناره شاهراه مرکز و غرب ایران به بین‌النهرین قرار گرفته و در معرض دید مسافران و کاروانیان بود.

بررسی‌های باستان‌شناسان و پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که کتیبه بیستون در یک مرحله ایجاد نشده است. در مرحله نخست، نقش داریوش در حالی که هشت همدست گنومات دست

بسته در مقابلش صف کشیده بودند و خود گنومات زیر پایش لگدکوب می‌شد، همراه با کتیبه‌ای به خط میخی و زبان عیلامی بر دل صخره نقر شد. در این قسمت، نقش فروهر بر فراز پیکره داریوش و اسیران دیده می‌شود و یک کماندار و یک نیزه دار نیز پشت سرداریوش ایستاده‌اند.

بعدها که داریوش شورش سکاها را فرونشاند، نقش سکایی نیز خود به انتهای صف اسیران افزوده شد و پس از آن نوشته‌های دیگری به خط میخی و به دو زبان بابلی و پارسی باستان در کنار نقوش قدیمی قرار گرفت.

مهم‌ترین گفته‌های داریوش در کتیبه بیستون چنین است: معرفی داریوش و گستره شاهنشاهی او؛ داستان شورش گنومات و فرونشاندن آن؛ داستان سرکوب شورش‌های گوناگون در سرزمین‌های عیلام، بابل، ماد، پارت، پارس، ارمنستان و مرو؛ تأکید بر راست بودن مفاد سنگ نبشته

### کتیبه داریوش

بیستون؛ میراث دانستن داریوش از پلیدی و دروغ‌گویی و تبهکاری؛ درخواست از آیندگان برای



وفعی کمبوجیه، فرزند و جاستین کورش، برای فتح مصر به آن سرزمین لشکر کشید، یکی از مغان به نام گنومات (Gaumata) علم طغیان برافراشت و خود را 'بردیا' برادر کمبوجیه معرفی کرد. این در حالی بود که کمبوجیه پیش از رفتن به مصر، برادر خود را از ترس آن که مبادا در غیابش مدعی تاج و تخت شود، کشته بود.

بردیای دروغین با بخشیدن مالیات سه ساله اپالات، موفق شد که تقریباً همگی را به اطاعت وادارد و چالش بزرگی را برای کمبوجیه و دودمان هخامنشی رقم زد. کمبوجیه به سرعت راه ایران را در پیش گرفت تا تاج و تخت خویش را بازستاند اما در میانه راه به طرز مشکوکی درگذشت.

چنین می‌نمود که مانع دیگری پیش پای گنومات باقی نیست اما هفت نفر از نجای هخامنشی به رهبری داریوش بر ضد او قیام کردند و سرگوش ساختند. بدین ترتیب، داریوش که متعلق به شاخه دیگری از دودمان هخامنشی بود به تخت نشست و پادشاهی از خانواده کورش به خانواده او منتقل شد.